



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

# تقصیر بزه‌دیده؛ رفع حمایت حقوقی یا توزیع مسئولیت کیفری

نگارش

مرضیه توفیقی داریان

استاد راهنما

دکتر فیروز محمودی جانکی

استاد مشاور

دکتر حسین آقایی‌نیا

پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق هم چون دین نیازمند ایمان است. حقوقدان باید به امکان وجود راه حل های عادلانه باور داشته باشد و باید جستجوی عدالت را نخست با متون سنتی خود آغاز کند ولی به طور هم زمان نیم نگاهی نیز به فراسوی آن داشته باشد.

جورج فلچر (مفاهیم بنیادین حقوق کیفری)

تقدیم به زیباترین الطاف خداوندی

پدر و مادر بزرگوار و عزیزم

و

خواهر مهربانم

به پاس مهربانی، صمیمیت، فداکاری و زحمات بی دریغشان که هر آنچه داشتند خالصانه و بی ادعا در اختیارم نهادند.

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر فیروز محمودی جانکی  
به پاس زحمات بی دریغشان

و با تشکر از جناب آقای دکتر حسین آقای نیا  
به پاس راهنمایی‌های دلسوزانه‌شان

## «چکیده»

حقوق کیفری همواره بر انکار نقش تقصیر بزه‌دیده در مسئولیت کیفری بزه‌کار و یا دست کم بر بی‌اعتنایی به آن مبتنی بوده است. با این وجود مطالعات صورت گرفته، مبانی مختلفی را برای تردید در این مسأله ارائه می‌دهد. این پژوهش با تفکیک انواع تقصیر بزه‌دیده به دو دسته تقصیر در تعرض به حقوق دیگری و تقصیر در حفاظت از حقوق خود، لوازم و نظریه‌های ارائه شده در خصوص هر یک از این دو گروه و میزان تأثیر آن بر مسئولیت کیفری بزه‌کار را مورد بررسی قرار داده است.

در بررسی تقصیر بزه‌دیده در تعرض به حقوق دیگری، ابتدا با نشان دادن برخی مصادیق عملاً پذیرفته شده آن در قلمرو حقوق کیفری، درستی ادعای بی‌تفاوتی به چنین رفتارهایی را مورد تردید قرار داده و در ادامه با بررسی برخی اصول کیفری از جمله نظریه‌های فلسفه حقوق کیفری، ایجاد دفاعی عام پیرامون تقصیر بزه‌دیده لازم دانسته شد. نقد و بررسی اصل مشروط بودن حقوق به عنوان جامع‌ترین نظریه‌ای که در این خصوص ارائه شده، راه را برای ترسیم دقیق‌تر محدوده‌های این دفاع فراهم نموده و در نهایت با گسترش مرزهای دفاع مذکور از علل موجهه به علل رافع مسئولیت تلاش شده است تا چهارچوب جامع‌تری برای دربرگرفتن همه مصادیق مؤثر رفتار تقصیرآمیز بزه‌دیده ارائه گردد.

از سوی دیگر به این دلیل که تقصیر بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود با دشواری بیشتری در تحلیل مواجه می‌باشد، به طور مجزاً به بررسی رویکرد فایده‌گرایانه و اصل مشروط بودن حقوق به عنوان اصلی سزاگرا نسبت به موضوع پرداخته و حدود پذیرفته شده خطای بزه‌دیده به عنوان عنصری تأثیرگذار بر مسئولیت کیفری بزه‌کار در هر یک از این دو رویکرد مورد مذاقه قرار گرفته است. سپس با کمک گرفتن از قواعد مشابه در حوزه مسئولیت مدنی و هم‌چنین بررسی نظریه‌های سببیت تبیین دقیق‌تری از امکان ایجاد دفاع عام در این دسته از رفتارهای تقصیرآمیز بزه‌دیده ارائه گردیده است.

## «فهرست مطالب»

۱.....	طرح پژوهش
۲.....	۱. بیان مسأله
۵.....	۲. پرسش‌های پژوهش
۷.....	۳. پیشینه موضوع پژوهش
۱۵.....	۴. روش پژوهش
۱۵.....	۵. سختی‌های پژوهش
۱۶.....	۶. سامان‌دهی پژوهش
۱۸.....	فصل نخست. تقصیر بزه‌دیده در تعرض به حقوق دیگری
۲۲.....	مبحث نخست. جایگاه تقصیر بزه‌دیده در مطالعات جرم‌شناختی و حقوق کیفری
۲۲.....	گفتار نخست. تقصیر بزه‌دیده در مطالعات جرم‌شناختی
۲۲.....	الف. رفتار اغواگر بزه‌دیده
۲۶.....	ب. بررسی‌های بزه‌دیده‌شناختی در خصوص تأثیر رفتار اغواگر بزه‌دیده بر مراحل رسیدگی کیفری
۲۷.....	گفتار دوم. تقصیر بزه‌دیده در دکتین‌های کنونی حقوق کیفری
۲۸.....	الف. دفاع مشروع
۳۶.....	ب. تحریک
۴۴.....	مبحث دوم. مبانی نظری ایجاد دفاع عام تقصیر بزه‌دیده در حقوق کیفری
۴۴.....	گفتار نخست. نظریه‌های فلسفه حقوق کیفری
۴۴.....	الف. سزاگرایی
۴۸.....	ب. فایده‌گرایی
۵۰.....	گفتار دوم. لزوم هماهنگی ضمانت‌اجراهای کیفری
۵۴.....	گفتار سوم. لزوم هماهنگی عناصر دخیل در ارزیابی مسئولیت کیفری و مجازات
۶۱.....	مبحث سوم. تقصیر بزه‌دیده در تعرض به حقوق دیگری و اصل مشروط بودن حقوق
۶۱.....	گفتار نخست. ماهیت اصل مشروط بودن حقوق
۶۹.....	گفتار دوم. نظریه حقوق و مبانی اصل مشروط بودن حقوق
۶۹.....	الف. مفهوم حق در اصل مشروط بودن حقوق

۷۳	ب. اصل مشروط بودن حقوق و نسبت آن با نظریه‌های حق.....
۷۸	مبحث چهارم. محدودیت‌های اصل مشروط بودن حقوق و چارچوب قانونی دفاع عام تقصیر بزه‌دیده .....
۷۸	گفتار نخست. محدوده‌های اصل مشروط بودن حقوق.....
۷۹	الف. قانونی یا اخلاقی بودن حق .....
۸۲	ب. مدت زمان کاهش حق.....
۸۵	گفتار دوم. دفاع دو ماهیتی تقصیر بزه‌دیده در تعرض به حقوق دیگری.....
۸۵	الف. ماهیت دفاع تقصیر بزه‌دیده.....
۹۶	ب. نحوه کاربرد عملی دفاع تقصیر بزه‌دیده .....
۱۰۱	مبحث پنجم. تأثیر تعرض به حقوق دیگری در وضعیت حقوقی بزه‌دیده.....
۱۰۱	گفتار نخست. واکنش سلبی به تقصیر بزه‌دیده.....
۱۰۳	گفتار دوم. واکنش ایجابی به تقصیر بزه‌دیده.....
۱۰۸	فصل دوم. تقصیر بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود.....
	مبحث نخست. جایگاه تقصیر بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود در
۱۱۱	مطالعات جرم‌شناختی و حقوق کیفری ماهوی.....
۱۱۱	گفتار نخست. مصادیق مطرح تقصیر بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود در جرم‌شناسی .....
۱۱۲	الف. تجاوز به عنف .....
۱۱۸	ب. سرقت.....
۱۲۲	گفتار دوم. مصادیق مطرح تقصیر بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود در حقوق کیفری ماهوی.....
۱۲۸	مبحث دوم. تقصیر بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود و جایگاه آن در نظریه‌های فایده‌گرا.....
۱۲۸	گفتار نخست. نظریه بزه‌دیده‌محور.....
۱۳۲	گفتار دوم. اصل تقصیر نسبی حقوق کیفری .....
۱۳۴	الف. کارآمدی اصل تقصیر نسبی حقوق کیفری.....
۱۳۷	ب. عادلانه بودن اصل تقصیر نسبی حقوق کیفری.....
۱۳۷	۱. مدل حمایت برابر .....
۱۳۸	۲. مدل هزینه برابر.....
۱۴۰	ج. نقد و بررسی اصل تقصیر نسبی حقوق کیفری.....
۱۴۰	۱. انتقادات فایده‌گرایانه.....
۱۴۴	۲. انتقادات اخلاق‌گرایانه.....



- مبحث سوم. تقصیر بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود و جایگاه آن در اصل مشروط بودن حقوق..... ۱۴۸
- گفتار نخست. رضایت به وقوع جرم..... ۱۴۹
- گفتار دوم. بی احتیاطی و بی مبالاتی بزه‌دیده در وقوع جرم..... ۱۵۶
- الف. کاهش غیرداوطلبانه حقوق..... ۱۵۸
- ب. کاهش داوطلبانه حقوق..... ۱۶۰
- گفتار سوم. تأثیر تقصیر در حفاظت از حقوق خود بر وضعیت حقوقی بزه‌دیده..... ۱۶۴

#### مبحث چهارم. نقش قواعد مسئولیت مدنی و سببیت در پذیرش دفاع تقصیر بزه‌دیده در

- حفاظت از حقوق خود..... ۱۶۸
- گفتار نخست. قواعد مربوط به تقصیر زیان‌دیده در مسئولیت مدنی..... ۱۶۸
- گفتار دوم. سببیت نسبی..... ۱۷۵
- نتیجه‌گیری و پیشنهادات..... ۱۸۶
- فهرست منابع..... ۱۹۶
- فهرست منابع فارسی..... ۱۹۶
- فهرست منابع انگلیسی..... ۱۹۸
- فهرست دعاوی موجود در سایت‌های اینترنتی..... ۲۰۲

## طرح پژوهش

۱. بیان مسأله
۲. پرسش‌های پژوهش
۳. پیشینه موضوع پژوهش
۴. روش پژوهش
۵. سختی‌های پژوهش
۶. سامان‌دهی پژوهش

## ۱. بیان مسأله

زنی که سال‌های متمادی مورد آزار و اذیت جسمانی شدید شوهرش قرار گرفته، او را پس از خاتمه یک دعوای خشونت‌بار و در حین خواب با چاقو به قتل می‌رساند؛ راننده‌ای که اندکی بیش از سرعت مجاز رانندگی می‌کند با عابری که عامدانه خودش را جلوی خودرو انداخته تصادف می‌کند و عابر در نتیجه جراحات حاصله فوت می‌کند؛ مردی با پذیرش دعوت یک آگهی اینترنتی در خصوص آدم‌خواری به محل مراجعه کرده و اجازه می‌دهد تا متهم از بدن او تغذیه نموده و او را به قتل برساند؛ زنی که بنابر معیار عرف، لباس نامناسبی بر تن داشته و در مکانی نامناسب مشغول تفریح بوده، توسط متهم ربوده شده و مورد تجاوز قرار می‌گیرد.

این مثال‌ها و مثال‌های دیگری از این دست، نشانگر یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق کیفری یعنی نقش تقصیر بزه‌دیده در مسئولیت کیفری بزه‌کار می‌باشد. گرچه حقوق کیفری به مؤثر بودن تقصیر بزه‌دیده به عنوان عاملی ذی‌مدخل در مباحث خود اشاره نمی‌کند اما از دیر زمان، مصادیقی از آن را به شیوه‌ای محدود و پنهان در لایه‌هایی از قوانین خود پذیرفته است. با این حال این مسأله تاکنون به میزانی شایسته و بایسته مورد توجه و بررسی دقیق متخصصان این رشته قرار نگرفته است.

آنچه بررسی دقیق این مفهوم را در حقوق کیفری دشوار نموده، طیف وسیع مصادیق مؤثر تقصیر بزه‌دیده در ترکیب با تفاوت قابل توجه ماهیت این موارد می‌باشد؛ زیرا گرچه پذیرش برخی از مصادیق آن مانند دفاع مشروع در نظر همگان بدیهی جلوه می‌نماید و در قوانین کیفری همه کشورها جایگاهی مهم را به خود اختصاص داده است؛ صحبت از برخی دیگر از انواع آن مانند بررسی امکان مقصّر بودن زن در جرم تجاوز به عنف با واکنش‌های شدید اجتماعی روبرو بوده و به ویژه مخالفت‌های شدید گروه‌های فمینیست را در پی داشته است.

از دیگر مشکلاتی که بر سر مطالعه جامع این موضوع وجود دارد، رشد و توسعه جنبش حقوق بزه‌دیدگان در دهه‌های اخیر است که به ویژه در جوامع غربی با جهت‌گیری‌های سیاسی همراه بوده است. بزه‌دیده

برای سال‌های متمادی، عنصر مغفول حقوق کیفری غربی بوده است. این مسأله تا حدی اهمیت دارد که گفته می‌شود حقوق کیفری جدید با خنثی‌سازی بزه‌دیده به وجود آمده زیرا حقوق کیفری معمولاً نتیجه یک تحوّل تاریخی از واکنش بزه‌دیده یا خانواده او به جرم تا انحصار دولت در اعمال مجازات دانسته می‌شود.<sup>۱</sup> با این حال در اواخر قرن بیستم میلادی شاهد آن بودیم که در واکنش به این فراموشی طولانی مدّت، بار دیگر توجه افکار عمومی به سمت بزه‌دیدگان معطوف گشت. در اندک مدّتی، قوانین حمایتی زیادی در ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها به تصویب رسید و سازمان‌های غیردولتی زیادی در راستای حمایت هر چه بیشتر از بزه‌دیدگان در مراحل مختلف رسیدگی کیفری تأسیس شد. اهمیت سیاسی حمایت از جنبش حقوق بزه‌دیدگان تا جایی گسترش یافته که هرگونه تلاش جدی در جهت کاهش و یا هدفمند کردن حقوق بزه‌دیدگان در چشم‌اندازی نزدیک، جایگاهی نامشخص در گفتمان رسمی حقوقی و سیاسی دنیا خواهد داشت.

تصویر عمومی از بزه‌دیده نیز از مسائلی است که پرداختن به این موضوع را برای حقوق کیفری دشوارتر می‌کند. بزه‌دیدگان، به طور معمول افرادی بی‌گناه و غیرقابل سرزنش ترسیم می‌شوند. به گونه‌ای که همگان می‌توانند خود را با آنان همانند سازند. برخی معتقدند در نظر گرفتن بزه‌دیده به عنوان فردی بی‌گناه سابقه‌ای طولانی دارد: «زبان‌شناسی ثابت کرده که در بسیاری از فرهنگ‌ها نظریه بزه‌دیدگی به قربانی دینی پیوند خورده است. اکثر زبان‌های سامی، ژرمنی، رومی و اسلاوی از واژه مشترکی برای قربانی مراسم دینی و بزه‌دیده استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> این هم‌آوایی ریشه در دیدگاه دو وجهی بودن جهان دارد که جهان را به دو دسته مقصّر و بی‌گناه تقسیم می‌کند. کسانی که به عنوان قربانی مذهبی فدا می‌شدند، باید پاک و بدون هیچ‌گونه بدنامی می‌بودند و امروز نیز، ما بزه‌دیدگی را با بی‌گناهی پیوند می‌زنیم».<sup>۳</sup> حتی در تلاش برای رهایی بزه‌کار، معمولاً او مانند قربانی به تصویر کشیده می‌شود. این کار از فنون مورد علاقه وکلای مدافع هم در

1. Manuel Cancio Melia, Victim Behavior and Offender Liability: A European Perspective, *Buffalo Criminal Law Review*, Vol.7, 2004, p. 513

۲. برای مثال واژه Opfer در آلمانی، Offiera در لهستانی و Zhertva در زبان روسی.

3. Vera Bergelson, *Victims' Rights and Victims' Wrongs, Comparative Liability in Criminal Law*, (California: Stanford Law Books, 2009), p.1

مرحله انکار مسئولیت و هم تخفیف مجازات است که سعی می‌کنند متهم را قربانی شرایط خانوادگی، اجتماعی یا اقتصادی نشان دهند.<sup>۴</sup> در مقابل، تصویری که از بزهکار ترسیم می‌شود فردی ترسناک و خطرناک است که مہیای ارتکاب هر نوع جنایتی می‌باشد. این طرز تفکر باعث پیش‌داوری می‌شود. با این حال مصادیق زیادی در حقوق کیفری وجود دارد که اصل فوق را زیر سؤال برده و اعتبار آن را خدشه‌دار می‌سازد. برخی بزه‌دیدگان با اعمال خود، دیگری را تحریک به ارتکاب جرم می‌کنند؛ برخی به ایراد صدمه رضایت می‌دهند و حتی آن را به شدت از بزهکار طلب می‌کنند؛ برخی دیگر در حفظ حقوق قانونی خود کوتاهی کرده و با بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی، خود را در معرض ارتکاب بزه‌های گوناگون قرار می‌دهند؛ برخی به حقوق دیگران حمله کرده و آنان را وادار به اقدامات دفاعی می‌کنند. در رویه قضایی آمریکا، در موارد خشونت خانگی که زن، همسرش را در پی خشونت‌های مستمر به قتل می‌رساند این سؤال مطرح شده که چه کسی باید «بزه‌دیده واقعی»<sup>۵</sup> تلقی گردد. مرد متوفی یا زنی که پس از سال‌ها خشونت و سوءاستفاده همسرش از «سندرم زنان کتک‌خورده»<sup>۶</sup> رنج می‌برد؟<sup>۷</sup> واقعیت این است که در برخی موارد، تمایز بزه‌دیده و بزهکار به آسانی امکان‌پذیر نمی‌باشد و این شرایط و اوضاع و احوال وقوع حادثه مجرمانه و عوامل پیرامونی آن است که منجر به برجسب خوردن یکی از طرفین به عنوان بزه‌دیده و دیگری به عنوان بزهکار می‌شود. این پژوهش درصدد آن است تا از مفهوم مطلق بزه‌دیده و بزهکار فاصله گرفته و تصویری واقع بینانه‌تر از طرفین واقعه کیفری و میزان مسئولیت آنها ارائه نماید.

در انتهای این بخش تأکید بر دو نکته لازم به نظر می‌رسد. نخست آنکه برگزیدن موضوع حاضر به معنای قبول بی‌قید و شرط آن و لزوم دخالت رفتار تقصیرآمیز بزه‌دیده در همه اشکال آن نبوده و تنها تلاشی در

4. Aya Gruber, Victim Wrongs: The Case for a General Criminal Defense Based on Wrongful Victim Behavior in an Era of Victim's Rights, *Temple Law Review*, Vol. 76, 2003, p. 664

5. True Victim

6. Battered Women Syndrome

7. Markus Dirk Dubber, The Victim in American Penal Law: A Systematic Overview, *Buffalo Criminal Law Review*, Vol. 3, 1999, p.11

راستای قاعده‌مند کردن جایگاه تأثیر تقصیر بزه‌دیده در حقوق کیفری عمومی که نگارنده آن را لازمه عدالت کیفری می‌داند، بوده است.

دیگر آنکه مؤثر دانستن تقصیر بزه‌دیده در مسئولیت کیفری بزه‌کار، منافاتی با جنبش حمایت از حقوق بزه‌دیدگان نداشته و در صورت ترسیم دقیق مرزهای آن حتی می‌تواند ضامن حقوق بزه‌دیدگان واقعی نیز باشد. این مطالعه تنها درصدد بیان این مطلب است که تصویر و تلقی ما از بزه‌دیدگان و بزه‌کاران جرائم بایستی به شیوه‌ای نسبی‌تر ترسیم شود تا به درستی منعکس‌کننده واقعیت‌های زندگی اجتماعی ما باشد و زمینه تحقق هر چه بیشتر عدالت کیفری را فراهم آورد.

## ۲. پرسش‌های پژوهش

اصلی‌ترین پرسش این پژوهش این است که آیا می‌توان تقصیر بزه‌دیده را به عنوان عاملی مؤثر در کاهش یا حذف مسئولیت کیفری بزه‌کار و به تبع آن مجازات وی قلمداد کرد؟

طبعاً نخستین بحث در بررسی پرسش فوق، شناسایی رفتارهای تقصیرآمیز بزه‌دیده است. مسأله مهمی که در این قسمت باید مورد توجه قرار گیرد این است که تقصیر، تنها جنبه تأثیرگذاری بزه‌دیده بر مسئولیت کیفری بزه‌کار (چه در جهت کاهش و چه افزایش آن) نبوده بلکه ویژگی‌های دیگر بزه‌دیده از جمله سن، جنس، نژاد و قومیت، رابطه خویشاوندی با بزه‌کار هم می‌توانند عواملی ذی‌مدخل در این خصوص باشند. لذا ویژگی‌هایی که بزه‌دیده در ایجاد آن دخالت ارادی ندارد از شمول بحث خارج بوده و به هیچ‌وجه داخل در معنای تقصیر نخواهد بود. در ارائه انواع تقصیرهای بزه‌دیده و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری طرفین، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی مدنظر قرار گرفت که پس از بررسی هر یک از آنها بهتر دانسته شد تا با تمایز بین رفتار تقصیرآمیز بزه‌دیده در تعرض به حقوق دیگری و رفتار تقصیرآمیز او در حفاظت از حقوق خود به تفکیک راجع به مصادیق آن و تأثیر هر یک در وضعیت حقوقی بزه‌دیده و بزه‌کار صحبت نماییم. دسته نخست اغلب متضمن خطاهایی است که با علم و عمد همراه بوده؛ در حالیکه عمده بحث در دسته دوم بر نوع دوم عنصر معنوی یعنی خطاهای ناشی از بی‌احتیاطی و غفلت متمرکز است. البته از آنجا

که معیار اصلی تقسیم، متعلق تعرض یعنی حقوق خود یا دیگری می‌باشد، مواردی در هر بخش وجود دارد که به لحاظ وضعیت روانی متفاوت از مصادیق غالب آن گروه است. در این میان مصادیقی نیز وجود دارد که در خصوص تقصیرآمیز بودن یا نبودن آن بین نویسندگان اختلاف وجود داشته و لازم است در خصوص آنها بررسی بیشتری صورت بگیرد. مهم‌ترین نمونه این مسأله، بحث رضایت بزه‌دیده به ارتکاب جرم توسط بزه‌کار در جرائمی است که قانونگذار رضایت را غیرمؤثر دانسته و یا اساساً فرد را از دادن رضایت معتبر، ناتوان می‌داند.

دو دلیل اصلی، نگارنده را بر آن داشت تا تفکیک تعرض به حقوق خود یا دیگری را مقسم اصلی بحث قرار دهد. نخست آنکه به دلیل ماهیت متفاوت رفتار تقصیرآمیز بزه‌دیده در این دو حوزه، نحوه برخورد اندیشمندان کیفری با موضوع به طور کامل متفاوت بوده و واکنش‌ها و آثار متفاوتی را در پی داشته است. به گونه‌ای که گرچه در حوزه تقصیر در تعرض به حقوق دیگری، اصل بر تصدیق آن - حداقل در کلیات - توسط اندیشمندان کیفری می‌باشد؛ حوزه بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی بزه‌دیده در حفاظت از حقوق خود با مخالفت جدی و گسترده حقوق‌دانان مواجه شده است. دلیل دوم آنکه، نگارنده با مطالعه منابع موجود در این حوزه دریافت به دلیل گستردگی و تنوع رفتارهای بزه‌دیده که می‌تواند وصف تقصیرآمیز به خود بگیرد، مطالب گفته شده در کتاب‌ها و مقاله‌های حاضر، دچار خلط مبحث شده و به دلیل عدم تمایز بین این دو حوزه، گاه برخی نویسندگان در ابراز مخالفت و موافقت و توجه ایرادات به نظرهای یکدیگر دچار اشتباه شده‌اند. لذا با تقسیم بحث به این دو مفهوم، پرسش‌های بعدی پژوهش در هر یک از این دو حوزه مطرح می‌گردد.

پرسش دیگر این پژوهش پیدا کردن معیار و مبنایی برای تأثیر دادن تقصیر بزه‌دیده در مسئولیت کیفری بزه‌کار است. به عبارت دیگر تعیین معیاری عام برای تمیز موارد مشروع تأثیرگذاری تقصیر بزه‌دیده از مصادیق غیرقابل قبول آن، مهم‌ترین چالش پیش‌رو پس از تصدیق لزوم دخالت دادن تقصیر بزه‌دیده در مسئولیت کیفری بزه‌کار است. در این مرحله، متغیرهای مختلف و متعددی باید مورد بررسی قرار بگیرد. این متغیرها از جمله می‌تواند شامل مواردی مانند خنثی‌سازی عنصر جرم، نقش سببی داشتن رفتار بزه‌دیده

در ایجاد صدمه حاصله، تأثیر آن بر سرزنش‌پذیری بزهکار، عدم نیاز به حمایت کیفری، تقابل عنصر معنوی بزهکار و بزه‌دیده باشد. لازم به ذکر است معیارهای تمیز دو دسته، متناسب با دو حوزه پیش گفته تقصیر متفاوت خواهد بود.

پرسش دیگری که در خصوص موضوع، قابل طرح است نحوه برخورد با بزه‌دیده خطاکار است. این مسأله بسیار کمتر از مورد قبل مورد بررسی قرار گرفته است. لذا در حد امکان به بررسی این مطلب خواهیم پرداخت که آیا صرف عدم حمایت حقوقی از بزه‌دیده خطاکار، در قالب‌های مختلف مانند عدم جبران خسارت، عدم یا کاهش مجازات بزهکار و متحمل درد و رنج ناشی از جرم شدن برای بزه‌دیده کافی بوده و یا می‌توان قدم فراتر گذاشت و با جرم‌انگاری رفتارهای خطای او، تقصیر وی را با ضمانت‌اجرائی شدیدتر مواجه ساخت. آیا این جرم‌انگاری در قالب جرم مستقلی خواهد بود و یا می‌توان او را شریک یا معاون در ارتکاب جرم علیه خویش دانست؟

از آنجا که موضوع این پژوهش خارج از چارچوب‌های پذیرفته شده قانونی قرار داشته و به عبارت دیگر در صدد نقد قوانین موجود می‌باشد لذا سعی شده تا در یافتن پاسخ پرسش‌های این پژوهش از کلیه ظرفیت‌های موجود در قوانین کیفری کشورهای مختلف (تا جایی که بر نگارنده روشن شده) استفاده شود. با این حال به دلیل آنکه این بحث به ویژه در حقوق آمریکا مورد توجه بیشتری واقع شده، منابع موجود در خصوص قوانین کیفری آمریکا غنی‌تر بوده و امکان بررسی‌های بیشتری را فراهم آورده است. با این وجود در نگارش این پژوهش سعی شده تا جای ممکن از قوانین کشورهای دیگر نیز برای شرح و بسط هر چه بهتر موضوع استفاده شود.

### ۳. پیشینه موضوع پژوهش

گرچه مطالعات مربوط به نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم، قدمتی به اندازه رشته نوپای بزه‌دیده‌شناسی دارد اما توجه نویسندگان در خصوص لحاظ نمودن تقصیر بزه‌دیده به عنوان دفاعی عام در مسئولیت کیفری



بزهکار به طور خاص محصول تلاش‌های چند سال اخیر برخی نویسندگان به ویژه نویسندگان آمریکایی و آلمانی می‌باشد.

ریشه تحقیقات صورت گرفته درباره موضوع حاضر را باید در مطالعات بزه‌دیده‌شناسی جستجو کرد. سال‌های متمادی جرم‌شناسان و حقوق‌دانان کیفری تنها بر بزهکار تمرکز کرده و از طرف دیگر واقعه مجرمانه یعنی بزه‌دیده غفلت نمودند. در نیمه دوم قرن بیستم به تدریج این رویه تغییر کرده و بزه‌دیده بار دیگر «کشف» گردید. در این زمان مطالعات جدیدی از درون جرم‌شناسی آغاز شد که بزه‌دیده‌شناسی نام گرفت. اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی نخستین بار در سال ۱۹۴۹م. توسط یک روانشناس آمریکایی به نام فردریک ورثام<sup>۸</sup> به کار گرفته شد. او نخستین بار از این واژه در کتاب «نمایش خشونت»<sup>۹</sup> استفاده کرد و بر نیاز به ایجاد علم «بزه‌دیده‌شناسی» تأکید کرد.<sup>۱۰</sup> در تعریف بزه‌دیده‌شناسی گفته شده «شاخه نوین جرم‌شناسی است که به مطالعه زیان‌دیده مستقیم جرم می‌پردازد و مجموعه اطلاعات زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی مربوط به او را مشخص می‌کند. این گرایش هم‌چنین مشخصات فرهنگی و اجتماعی بزه‌دیده و روابط او را با مجرم و سهم وی را در ارتکاب جرم، معین می‌کند».<sup>۱۱</sup> مطالعات بزه‌دیده‌شناسان اولیه بر نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و سهم او از واقعه مجرمانه متمرکز بود. استفاده این اندیشمندان از اصطلاح‌هایی مانند «مسأله بزه‌دیده - بزهکار»<sup>۱۲</sup>، «چارچوب دوگانه جرم»<sup>۱۳</sup>، «زوج کیفری»<sup>۱۴</sup>

## 8. Frederick Wertham

### 9. The Show of Violence

۱۰. «قربانی قتل عمد یک انسان فراموش شده است. ما در مباحثات احساساتی و هیجانی پیرامون روانشناسی غیر طبیعی قاتل از تأکید بر مظلومیت قربانیان کوتاهی کرده‌ایم. هرگاه انسان جامعه‌شناسی قربانی را درک نکند، نمی‌تواند روانشناسی قاتل را درک کند. آنچه که ما بدان نیازمندیم علم بزه‌دیده‌شناسی است». به نقل از: عزت عبدالفتاح، «بزه‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی»، اسماعیل رحیمی نژاد، *نامه مفید*، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۷۸، صص ۱۱۵-۱۱۴

### 11. Ezzat Fattah, La Victim, p.11 cited in:

عبدالعلی توجهی، *جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران*، پایان‌نامه دکتری، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷، ص ۳۳

## 12. Victim-Offender Problem

### 13. The Duet Frame of Crime

### 14. Penal Couple

و اصطلاح‌های کلی‌تری مانند «ارتباط بزه‌دیده و بزه‌کار»<sup>۱۵</sup> به روشنی بیانگر اهمیت بزه‌دیدگان جرم برای فهمی درست از جرم است.<sup>۱۶</sup> نخستین کتابی که به بررسی بزه‌دیدگان جرم پرداخت، کتاب «مجرم و قربانیش» اثر هانس فون هنتیگ در سال ۱۹۴۸ بود. او در چهارمین فصل از کتاب خودش تحت عنوان «مشارکت بزه‌دیده در ایجاد جرم»، مطالعه‌ی یکجانبه‌ی مجرم را مورد انتقاد قرار داده و عنوان داشت «ما جرم را به عنوان واقعه‌ای می‌بینیم که بدون کمک و همکاری بزه‌دیده بر او اعمال می‌شود. این درست است که اعمال مجرمانه زیادی وجود دارد که بدون دخالت یا با مشارکت اندک بزه‌دیده رخ می‌دهد... در سایر موارد هم ممکن است این سهم ناچیز و معمولی باشد اما اغلب می‌توانیم یک ارتباط دو سویه‌ی واقعی در ارتباط بین بزه‌دیده و بزه‌کار، قاتل و مقتول، فریبکار و فریب خورده ببینیم».<sup>۱۷</sup> او هم‌چنین در کتابش اشاره می‌کند که «قانون به نتایج خاص و آخرین موج‌هایی که به عمل منتهی می‌شود توجه می‌کند و تمایز صریح و قاطعی بین کسی که عمل را انجام می‌دهد و کسی که صدمه می‌بیند می‌گذارد. با نگاه کردن به شروع موقعیت‌ها، در بسیاری از موارد بزه‌دیده‌ای را می‌بینیم که به طور ضمنی به وقوع جرم رضایت داده، با مجرم همکاری و تبانی داشته یا او را تحریک کرده است. بزه‌دیده یکی از عناصر سببی است».<sup>۱۸</sup> هم‌زمان بنیامین مندلسون<sup>۱۹</sup> با ارائه‌ی دسته‌بندی از انواع بزه‌دیدگان به وجود طیفی از بزه‌دیدگان مقصر اشاره نمود. مندلسون طی مطالعاتی که انجام داد به این نتیجه رسید که می‌توان درجات مختلفی از قابلیت سرزنش بزه‌دیده را مطرح کرد و این درجات از «بزه‌دیده کاملاً بی‌گناه»<sup>۲۰</sup> (مانند کودک) تا «بزه‌دیده‌ای که به تنهایی مقصر است»<sup>۲۱</sup> (مانند مهاجمی که توسط هدف در مقام دفاع مشروع کشته می‌شود) در نوسان است. در

15. The Victim-Offender Relationship

16. Robert F Meier and Terance D Miethe, Understanding Theories of Criminal Victimization, *Crime and Justice*, Vol. 17, 1993, p. 461

17. Hans Von Hentig, Remarks on the Interaction of Perpetrator and Victim, *Journal of Criminal Law and Criminology*, Vol. 31, No. 3, 1940, p. 303

18. Hans Von Hentig, *The Criminal and His Victim*, (New Haven: Yale University Press, 1948), p. 436 cited in: Ezzat Fattah, Victimology: Past, Present and Future, *Criminologie*, Vol. 33, No. 1, 2000, p. 22

19. Benjamin Mendelsohn

20. Completely Innocent Victim

21. Victim Who Is Guilty Alone

بین این دو طیف، او «بزه‌دیده با تقصیر جزئی»<sup>۲۲</sup> (مانند بزه‌دیده‌ای که با بی‌احتیاطی خود را در معرض صدمه قرار می‌دهد)، «بزه‌دیده‌ای که به اندازه بزه‌کار مقصر است»<sup>۲۳</sup> (مانند بزه‌دیدگی عامدانه)، و «بزه‌دیده مقصرتر از بزه‌کار»<sup>۲۴</sup> (مانند بزه‌دیده‌ای که ارتکاب جرم را تحریک کرده است) را قرار داده است.<sup>۲۵</sup> سایر بزه‌دیده‌شناسان نیز تقسیم‌بندی‌های مختلفی از بزه‌دیدگان را ارائه نمودند که تمرکز آنان به بزه‌دیدگان مقصر را نشان می‌دهد. برای مثال استفان شافر<sup>۲۶</sup> در تقسیم‌بندی هفتگانه خود به دو نوع بزه‌دیده محرک و اغواگر اشاره می‌کند. بزه‌دیدگان محرک<sup>۲۷</sup> افرادی هستند که با حرکات تحریک‌آمیز خود، بزه‌کار را به سوی ارتکاب جرم سوق داده و بنابراین در بخش مهمی از مسئولیت جرم، سهمیم هستند. در مقابل، بزه‌دیدگان اغواگر<sup>۲۸</sup> کسانی هستند که از طریق بودن در مکانی خاص، نحوه پوشش، رفتار و گفتار عمل نامناسبی انجام داده‌اند.<sup>۲۹</sup> اصطلاحات مشابهی مانند «بزه‌دیده شرکت‌کننده در جرم»<sup>۳۰</sup> و «بزه‌کار بزه‌دیده» نیز در دسته‌بندی سایر جرم‌شناسان مانند عزت فتاح و ریمون گسن به چشم می‌خورد.<sup>۳۱</sup>

بزه‌دیده‌شناسی در طول سالیان، دستخوش تحولات گسترده‌ای گردید. به تدریج از شدت بحث در مورد تقصیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم کاسته شده و بحث بزه‌دیده‌شناسان بر محور بررسی ویژگی‌های آماری بزه‌دیدگان متمرکز شد تا از این طریق به علل بزه‌دیدگی افراد دست پیدا کنند. به همین دلیل مطالعات فردی بزه‌دیدگان جرائم، جای خود را به پیمایش‌های وسیع بزه‌دیدگی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی داد. هدف اولیه این پیمایش‌ها، تعیین میزان بزه‌دیدگی، شناسایی جمعیت بزه‌دیدگان و احراز

22. Victim with Minor Guilt

23. Victim as Guilty as the Offender

24. Victim More Guilty than the Offender

25. Janet K. Wilson, *The Praeger Handbook of Victimology*, (California: Greenwood Publishing Group, 2009), p. 166

26. Stephen Schafer

27. Provocative Victim

28. Precipitative Victim

29. Ibid. p.238

البته لازم به ذکر است که مفهوم Victim Precipitation در مطالعات بعدی معنی وسیع‌تری به خود گرفته و شامل تحریک به معنای خاص نیز می‌شود. در فصل آتی به تفصیل در خصوص این مفهوم، ترجمه دقیق و گستره آن صحبت خواهیم کرد.

30. Participating Victim, Victims as Parties to Crime

۳۱. عبدالعلی توجھی، پیشین، صص ۸۱ و ۸۳

ویژگی‌های آماری - اجتماعی بزه‌دیدگان جرم و دستیابی به الگوهای بزه‌دیدگی بود که نهایتاً منجر به ارائه نظریاتی در خصوص بزه‌دیدگی گردید.<sup>۳۲</sup> از بررسی این نظریه‌ها می‌توان دریافت که در کنار نظریاتی که ناظر به نحوه انتخاب هدف (بزه‌دیده) توسط بزه‌کار بوده و بزه‌دیده در آن تقصیری ندارد، نظریاتی نیز وجود دارد که بزه‌دیدگی را معلول رفتار خطای بزه‌دیده یا بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی او می‌داند. برای مثال می‌توان به نظریه «در معرض خطر قرار دادن»<sup>۳۳</sup>، و «رفتارهای خطرناک»<sup>۳۴</sup> اشاره کرد. گزاره اصلی نظریه در معرض خطر قرار دادن این است که خود را در معرض بزه‌کاران بالقوه، محیط‌ها و موقعیت‌های خطرناک قرار دادن، خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد. نظریه رفتارهای خطرناک نیز بیانگر آن است که رفتارهای خاصی مانند تحریک، خطر بزه‌دیدگی خشونت‌آمیز (جرائم علیه اشخاص) را افزایش می‌دهد در حالیکه رفتارهای ناشی از بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی، احتمال بزه‌دیدگی مالی را بالا خواهد برد. رفتارهای خطرناک دیگری هم هستند که کسانی که در آن مشارکت دارند را در موقعیت‌های خطرناکی قرار می‌دهد که توانایی دفاع و حفاظت از خود در برابر حمله را به شدت کاهش می‌دهد.<sup>۳۵</sup> امروزه «پیشگیری بزه‌دیده‌شناختی» به عنوان شاخه‌ای از پیشگیری وضعی به دنبال تدابیر و اقداماتی است که با هدف جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد یا اموال صورت می‌گیرد. محور اصلی این شاخه، تلاش برای ایمن‌سازی و مصون‌سازی بزه‌دیدگان بالقوه، به منظور کاهش زمینه‌های جاذب برای بزه‌کاران می‌باشد.<sup>۳۶</sup> از دیگر نتایج این مطالعات گسترده آماری که به موضوع این پژوهش مرتبط است، احراز وجود ارتباط بین بزه‌دیدگی و بزه‌کاری می‌باشد. تحلیل صورت گرفته پیرامون داده‌های پیمایش جرم بریتانیا در سال ۱۹۸۲م. مؤید وجود ارتباط متقابل نسبتاً قوی بین بزه‌دیدگی و بزه‌کاری بود: برای افرادی که حداقل ارتکاب یک جرم خشونت‌آمیز را گزارش داده بودند احتمال بزه‌دیده شدن ۴۲٪ یا هفت برابر بیشتر از کسانی بود که چنین جرمی مرتکب

32. Ezzat Fattah, *Victimology: Past, Present and Future*, op.cit. p. 24

33. Exposure

34. Dangerous Behaviors

35. Ibid. p. 31

۳۶. ژرار لیز و ژینا فیلیزولا، *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*، روح الدین کردعلیوند و احمد محمدی، چاپ دوم، (تهران: نشر مجمع علمی و

فرهنگی مجلد، ۱۳۸۸)، ص ۱۱